

سرمایه داری اسلامی، همزادی و سرریز شدن آن در سرمایه داری غربی

مهرزاد شفیق پور

حداقلی که او آنها را در تمدن پیشین خود و سایر تمدن های امروزی بشریت دیده و تجربه نموده است. در واقع جامعه ای که در آن، افراد در ارتباط با یکدیگر،

امروز فریاد تلخ کامانه انسان ایرانی

علیه این ناپاکی و تباهی اسلام سرمایه داری که فصل مشترک تمامی اقشار آسیب دیده و در معرض آسیب در ایران چون کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، مالبختگان، جوانان بیکار، کشاورزان، دامداران، صیادان، رانندگان، معلولین، کسبه، تولیدکنندگان و کارآفرینان، فعالین مدنی، حقوق بشر و محیط زیست و ... می باشد؛

ناشی از شرایط غیر انسانی و بیدادگرانه وضع موجودی است که تمامی اقشار و طبقات جامعه امروز ایران را به ورطه نابودی کشانده است.

برای وظیفه مشترک به حداکثر رسانیدن منافع مشترک دست به دست همدیگر دهند تا از این طریق، حداقل شرایط برای حمایت از افراد در برابر پیامدهای غارتگرانه اقتصاد لجام گسیخته اسلامی فراهم آید. در نتیجه هرگاه انسان و اقشار ایرانی از شرایط غیر انسانی و بیدادگرانه نظام سرمایه داری اسلامی رهایی یابند و برای همگان فرصتی فراهم آید، در آن صورت هرکسی خواهد توانست به عنوان یک شهروند و انسان آزاد و آگاه (با وجدان) در جامعه همسو، همسود و دموکراتیک پیشرفت کند.

امروز اکثریت اقشار ایرانی دریافته اند

که زندگی شان چیزی جز یک کل انسانی نیست و نسبت به زندگی شان این شناخت را پیدا کرده اند که چنانچه بیش از این، زندگی شان از زندگی بشریت بگسلد،

در واقع، رشته حیات شان را بریده اند.

امروز انسان ایرانی بیش از هر چیزی به دنبال

راه حل های مشترک چگونه زنده ماندن و چگونه کنار هم ماندن در جهان درون و بیرون از خود است.

منافع اسلام سرمایه داری در ایران را چه سران حکومت و مفسدان وابسته، شرکتهای خصولتی، بانکداران، انحصارگرایان و رانت خواران مسکن، خودرو و دارو، چه سوداگران نفت و تحریم های جهانی متجلی کرده باشند؛ به هر روی با منافع مردم ایران و اندیشه های پیشرو و آزاد آن در تضاداند.

زیرا انباشت سرمایه توسط این گروهها و انتقال آن به کشورهای سرمایه داری و نقش منفی این جریانات در تولید و انباشت سرمایه ملی کشور مانع اصلی رشد اقتصادی و توسعه همه جانبه کشور می باشد.

آنچه مسلم است چنین منافعی از رشد فراگرد دموکراتیک، توسعه و پیشرفت در جامعه جلوگیری به عمل آورده و شرایط انحطاط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در ایران امروز به بار آورده و مانع مشارکت آحاد مردم، رقابت سالم و ایجاد فرصت های برابر گردیده و حس همیاری و اشتراک همگانی را تباه ساخته اند.

امروز فریاد تلخ کامانه انسان ایرانی علیه این ناپاکی و تباهی اسلام سرمایه داری که فصل مشترک تمامی اقشار آسیب دیده و در معرض آسیب در ایران چون کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، مالبختگان، جوانان بیکار، کشاورزان، دامداران، صیادان، رانندگان، معلولین، کسبه، تولیدکنندگان و کارآفرینان، فعالین مدنی، حقوق بشر و محیط زیست و ... می باشد؛ ناشی از شرایط غیر انسانی و بیدادگرانه وضع موجودی است که تمامی اقشار و طبقات جامعه امروز ایران را به ورطه نابودی کشانده است.

امروز اکثریت اقشار نامبرده دریافته اند که زندگی شان چیزی جز یک کل انسانی نیست و نسبت به زندگی شان این شناخت را پیدا کرده اند که چنانچه بیش از این، زندگی شان از زندگی بشریت بگسلد، در واقع، رشته حیات شان را بریده اند. امروز انسان ایرانی بیش از هر چیزی به دنبال راه حل های مشترک چگونه زنده ماندن و چگونه کنار هم ماندن در جهان درون و بیرون از خود است.

بنابراین اکثریت جامعه ایران امروزه با پیوند زدن گذشته و آینده خود با واقعیت های جهان امروز، استقرار یک جامعه همبسته، همسود اما کثرت گرا در سر می پروراند. اجتماعی که تحقق آن دور از ذهن نیست؛ لذا انسان ایرانی و امروزی باید کوشش کند تا آرمانپرستی تعالی جوینه بشریت را با اعتقاد به فضایل دموکراتیک انسان معمولی درآمیزد؛ فضایی